

بسم الله الرحمن الرحيم
احکام تفصیلی پیرامون سفر زن



(ترجمه)

به مصعب النتشه، امین دبیب، غازی جدیرا، محمد احمد، حمزه مفتاح، دوکتور نسرین، غمزه خواهر و عبدالمؤمن زیلعی.

موضوع اول پرسش‌ها:

پرسش اول از غازی جدیرا:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

شیخ گرامی! در شرایط کنونی بسیاری از زنان، که به جاهای دور از بهر کار و یا تحصیل از یک کشور به کشور دیگر و یا هم از یک شهر به شهر دیگر بدون محرم سفر نموده، مدت زیادی را در آنجا سپری می‌نمایند و گاهی مدت اقامت‌شان به یک سال می‌رسد، با آن که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

« لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر أن تسافر مسیرة یوم وليلة دون محرم لها»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که مسیر یک شبانه روز را بدون محرم مسافرت نماید.

بناءً امیدوارم این موضوع را به تفصیل برای مان بیان نموده و آنچه الله سبحانه وتعالی امر نموده واضح گردد، الله متعال برکت تان دهد.

پرسش دوم از امین دبیب: شیخ گرامی و پیشوای راه نیکوی خلافت! السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته! آیا سفر مجموعه از زنان

بدون محرم جواز دارد یا خیر؟

پرسش سوم از مصعب النتشه:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

شیخ گرامی! الله متعال عزت تان دهد، پرسش‌های در خصوص سفر زن داشتیم که امیدوارم آن را توضیح دهید. الله متعال پاداش نیک نصیب تان فرموده و موفق تان داشته باشد. در کتاب نظام اجتماعی اسلام زیر عنوان تنظیم روابط بین زن و مرد چنین آمده‌است: "زن از این که مسیر یک شبانه روز را مسافرت نماید، منع شده‌است؛ مگر این که محرمی با او باشد"، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

« لا یحل لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر أن تسافر مسیرة یوم وليلة إلا ومعها ذو محرم لها. »

(رواه مسلم)

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که مسیر یک شبانه روز را مسافرت نماید؛ مگر این که محرمی همراه/اش باشد.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که او از رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که خطبه ایراد می‌نمود، شنیده‌است که می‌فرمود:

« لا یخلون رجلٌ بامرأةٍ إلا ومعها محرم ولا تسافر إلا مع ذی محرم » فقام رجل فقال: یا رسول الله: إن امرأتی خرجت حاجة،

وإني اکتتبت فی غزوة کذا وکذا، قال: «انطلق فحج مع امرأتک»

ترجمه: هیچ مردی با زنی بدون حضور داشت یکی از محارم/اش خلوت نکند و هم‌چنان بدون همراهی محرم/اش مسافرت نکند، مردی بلند شد و گفت: یا رسول الله! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم و همسر من می‌خواهد به حج برود،

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: بازگرد و به همراهی همسرت حج کن!

آیا از حدیث اول این گونه فهم می‌شود که مسافت و مقدار راه نباید از یک شبانه روز تجاوز کند؟ مثلاً زنی از عمان به استانبول با طیاره در مدت سه ساعت سفر نموده و برای خریداری و یا سرگرمی مدت یک هفته در آنجا مسکن‌گزین می‌شود و یا چنین فهم می‌شود که مدت سفر و اقامت وی بدون محرم نباید از یک شبانه روز تجاوز کند؟ و چگونه است زمانی که یک زن به هدف آموزش به کشوری مسافرت نماید؛ آیا می‌تواند مقیم آن کشور شود؟ یا این که واجب است با وی محرمی باشد؟

اما به نسبت حدیث دوم: امر رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد "حج" با زن تنها مختص در حج است یا این که به شکل عام هرگونه سفر را شامل می‌شود؟ و آیا از قول رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین برداشت می‌شود که «انطلق فحج مع امرأتک» یعنی بازگرد و به همراه همسرت حج کن! این که زنان نباید بدون محرم به حج بروند؟ والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

پرسش چهارم از محمد احمد:

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته!

می‌خواهم در موضوع سفر زنان پرسشی داشته باشم، آیا سفر مجموعه‌ای از زنان بدون محرمی از مردان جواز دارد یا خیر؟ زمانی که یک زن با مرد محرم‌اش سفر می‌نماید و پس از پایان قسمت از سفر، زن به تنهایی به کشوری دیگری می‌رود، آیا این جائز است یا خیر؟ الله متعال برکت تان دهد.

موضوع دوم:

حمزه فتاح پرسشی خصوصی داشتند که می‌توانند جهت دریافت پاسخ از میان پاسخ‌های عام در خصوص سفر زن به صفحه فیسبوک مراجعه نمایند.

موضوع سوم:

همچنان خواهرمان دکتور نسرین، خواهر غمزه و عبدالؤمن زبلی، پرسش‌هایی در خصوص سفر زن داشتند که می‌توانند به صفحه فیسبوک مراجعه نموده و از خلال پاسخ‌های عام در خصوص سفر زن، پاسخ‌های خود را دریافت نمایند.

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته!

پرسش‌های تان مشابه و با هم‌دیگر مرتبط بوده و به گونه اجمالی قرار ذیل است:

1. آیا برای زن جایز است که مسیر یک شبانه روز و یا بیشتر از آن را بدون محرم سفر نماید؟
2. آیا می‌توان این سفر یک شبانه روز را به مسافت اندازه کرد؛ مثلاً گفته شود، اندازه سفر معادل یک شبانه روز با شتر، نه با پیاده یا طیاره، 50 کیلومتر اندازه شود؛ سپس همین قید را به مسافت راه بسنجیم؛ نه با زمان وجوب محرم؛ آیا جواز دارد یا خیر؟
3. آیا برای محرم جواز دارد که به مکان یا سرزمین اصلی اش پس از رسیدن به مکان مقصودش با ترک زن به تنهایی برگردد، حال آن‌که زن حاجت‌ها و نیازمندی‌هایی داشته یا این‌که باید با وی به هدف برآورده ساختن نیازمندی‌هایش باشد؟
4. آیا موضوع زمان "یک شبانه روز" در سفر زن به حج تطبیق می‌شود؟ به این معنی که اگر سفر کمتر از یک شبانه روز باشد، بدون محرم به حج می‌رود، یا این‌که دارای حکم خاص است که هر دو مسافت و زمان باید در همراهی محرم در حج واجب است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها به توفیق الله سبحانه و تعالی می‌پردازیم:

اول) هرگاه سفر زن از یک شبانه روز بیشتر دوام نماید، باید با وی محرمی موجود باشد و دلائل شرعی در خصوص این موضوع زیاد است که آن‌ها را بیان می‌کنیم:

- بخاری از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لَيْسَ مَعَهَا حُرْمَةٌ»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست تا مسیر بیشتر از یک شبانه روز را در حالی

مسافرت نماید که محرمی با او نیست.

در روایت از حضرت ابو سعید خدری "مسیر دو روز" و در روایت ابن عمر "سه روز" ذکر گردیده است.

- مسلم از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، تُسَافِرُ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ عَلَيْهَا»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست تا مسیر یک شبانه روز را مسافرت کند؛ مگر این‌که

محرمی با او باشد.

در روایت از حضرت ابو سعید خدری "مسیر دو روز" و در روایت دیگر "سه روز و یا بیشتر از آن" ذکر گردیده است.

- ترمذی گفته این حدیث حسن و صحیح است، ابو سعید از پدرش و او از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا تُسَافِرُ امْرَأَةٌ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَّا وَمَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ»

ترجمه: هیچ زنی مسیر بیشتر یک روز و یک شب را مسافرت ننماید؛ مگر این که دارای محرمی باشد.

- ابن حبان در صحیح خود از سعید ابن ابوسعید مقبری و او از حضرت ابوهریره روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست تا مسیر یک شبانه روز را مسافرت نماید؛ مگر این که دارای محرم باشد.

- در روایت ابو سعید از رسول الله صلی الله علیه وسلم "مسیر دو روز" ذکر گردیده است.

- احمد روایت می کند که وکیع به ما گفت: پسر ابو ذئب از سعید ابن ابوسعید و او از پدرش روایت می کند که از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«لَا تُسَافِرُ امْرَأَةٌ مَسِيرَةَ يَوْمٍ تَامًا، إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ»

ترجمه: زن مسیر یک روز کامل را مسافرت ننماید؛ مگر این که با وی محرمی باشد.

در روایت از ابو سعید خدری "مسیر دو روز" آمده است.

- ابو داود روایت می کند که قتیبه بن سعید ثقفی و او از لیث بن سعد، از سعید بن ابوسعید او از پدرش روایت می کند که ابوهریره رضی الله عنه فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ مُسْلِمَةٍ تُسَافِرُ مَسِيرَةَ لَيْلَةٍ، إِلَّا وَمَعَهَا رَجُلٌ ذُو حُرْمَةٍ مِنْهَا»

ترجمه: برای زن مسلمان حلال نیست که مسیر یک شب را مسافرت نماید؛ مگر این که مردی از محارم/اش با وی باشد.

و آنچه از این احادیث واضح می گردد قرار ذیل است:

1. محدودسازی سفر در زمان، چنانچه نصوص صحیح آمده و برزن تحریم می کند که به تنهایی بدون محرم در مدت مذکور یعنی یک شبانه روز (24) ساعت سفر نماید. به این معنی است که نصوص دلالت به زمان "شب و روز" دارد؛ نه مسافت، اگر با طیاره بدون محرم هزار کیلومتر سفر کرد و بدون آن که در آنجا انتظار بکشد، دوباره برگردد، جواز دارد؛ اما در صورتی پیاده اگر بیست کیلومتر سفر نموده بیشتر از یک شبانه روز نیازمند سفر بود، بدون محرم حرام است که سفر نماید.

اصل نظر در سفر زن بدون محرم به زمان، یعنی شب و روز است؛ و لو اگر مسافت هرچندی که باشد؛ اگر زن در زمان مذکور توقف نکرد؛ بلکه مسافرت نموده و دوباره قبل از زمان مذکور برگشت بدون محرم جواز دارد.

2. اما آنچه در روایت بخاری، مسلم، ترمذی، احمد و ابن حبان در رابطه به زمان آمده است که "سه روز یا سه شب، دو روز، یک شبانه روز و یک شب" را قید کرده اند، اگر این دلایل را یکجا کنیم، حکم شرعی این است که به مسیر ذکر شده سفر ننماید، مگر این که با محرم باشد، یعنی مسیر یک شب را مسافرت ننماید؛ زیرا عدم سفر بیشتر از یک "شب" بر عدم سفر دو روز، سه روز متحقق می شود و در زبان عرب "شب" به یک روز کامل اطلاق می گردد، یعنی یک شبانه روز. چنانچه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تَكَلَّمَ النَّاسُ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا﴾

ترجمه: نشانه (حصول آرزوی) تو این است که سه شبانه روز تمام نمی‌توانی با مردم سخن بگوئی، با وجود این که تو (از لحاظ اعضاء و حواس) سالم و تندرست خواهی بود!

و نیز او تعالی چنین می‌فرماید:

﴿قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمَزًا﴾

[آل عمران: 41]

ترجمه: نشانه تو آن است که نمی‌توانی سه روز با مردم حرف بزنی؛ مگر با رمز و اشاره!

از دو آیت فوق واضح می‌شود که "شب‌ها" عبارت اند از "روزها" اند و نیز عرب‌ها چنین می‌گفتند: «من این را پس از گذراندن چندین شب در ماه نوشتم»؛ روزی که گذشت، به این معنی که عرب "شب" را به یک روز کامل اطلاق می‌نمایند. بنابراین به زن حرام است که مسیر یک شب و روز را سفر نماید؛ مگر این که با وی شوهر یا محرم وی باشد و این چیزی است که در کتاب نظام اجتماعی اسلام تبیین نمودیم.

دوم) دلایل وارده در مورد فاصله راه:

روایتی از ابوداود است که سفر را به مقدار برید، یعنی "22 کیلومتر" قید نموده و به زمان یعنی شب و روز قید نساخته است. این روایت بنابر اسباب ذیل غیرقابل اعتماد است.

1. سفر زن در این روایت به مسافت قید شده به این معنی که زمان ارزشی ندارد؛ زمانی که یک زن به اندازه 22 کیلومتر سفر نماید، به محرم ضرورت دارد؛ برابر است که در یک روز یا دو روز صورت گیرد، و اما احادیث دیگری است که به زمان یعنی روز و شب قید می‌شود، برابر است که 100 کیلومتر یا صدها کیلومتر باشد؛ به این معنی است که بکار گرفتن حدیثی که در مورد مسافت آمده، زمان را لغو می‌سازد و بکار گرفتن حدیث زمان، مسافت را لغو می‌سازد؛ بناءً هر دو در تعارض قرار می‌گیرند و زمانی که در تعارض قرار بگیرند، به ترجیح اعتماد کرده می‌شود. واضح است که احادیث بخاری، مسلم، و باقی صحاح نظر به روایت ابو داود که تنها "برید" است، از این ناحیه ترجیح داده می‌شود.

2. از ناحیه دیگری روایت ابوداود به "برید" نامتعادل معلوم می‌گردد، چنانچه در ذیل است:

- یوسف بن موسی از جریر و او از سهیل و سهیل از سعید بن ابوسعید و او از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لَامْرَأَةٍ تَوْمَنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَسَافِرَ بِرِيدٍ إِلَّا مَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست که مسیر دو فرسخ را مسافرت نماید؛ مگر این که محرمی با او باشد.

- ابوداود خود از سعید بن ابوسعید و او از ابوهریره رضی الله عنه چهار حدیث را نقل می‌کند که در آن "روز و شب" ذکر گردیده و نیز ابوداود خود از سعید بن ابوسعید و از پدرش و او از ابوهریره رضی الله عنه دو حدیث را روایت می‌کند که در حدیث اول "شب" و در حدیث دوم "روز و شب" ذکر گردیده است:

- حدیث ابوداود که قبلاً ذکر کردیم، روایت می‌کند که قتیبه بن سعد ثقفی به ما سخن گفت که لیث بن سعد از سعید بن ابوسعید و او از پدرش روایت می‌کند که ابوهریره رضی الله عنه گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ مُسَلِّمَةٍ تُسَافِرُ مَسِيرَةَ لَيْلَةٍ، إِلَّا وَمَعَهَا رَجُلٌ ذُو حُرْمَةٍ مِنْهَا»

ترجمه: برای هیچ زن مسلمان حلال نیست که مسیر یک شب را مسافرت نماید؛ مگر این که مرد محرمی با او باشد.

- عبدالله بن مسلمه و نفیلی از مالک روایت نمودند که ابن حسن بن علی، بشر بن عمر روایت می کنند که مالک از سعید بن ابوسعید به من گفت که حسن بن علی در حدیثی از پدرش روایت نموده که بعداً ابوهیریه با آن توافق نموده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ، تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ يَوْمًا وَلَيْلَةً»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست مسیر یک شبانه روز را مسافرت نماید.

ابوداود گفته است: قعنبی و نفیلی از پدرش روایت نکرده، بلکه ابن وهب و عثمان بن عمر از مالک روایت نمودند؛ چنانچه قعنبی گفته است.

- یوسف بن موسی از جریر و او از سهل و سهیل از سعید بن ابوسعید و سعید از ابوهیریه رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین چیزی را ذکر نموده؛ اما در اینجا "برید" گفتند.

تمام روایات ابوداود از طریق سعید بن سعید و گاهی از پدرش و گاهی مستقیم از ابوهیریه ذکر می کند که زمان (روز و شب) را قید می سازد، با آن که احمد به روش خودش از سعید بن ابوسعید، از پدرش، از ابوهیریه رضی الله عنه تنها یک روز را روایت می کند. روایت تنهایی ابوداود به طریق خودش از سعید بن ابوسعید و او از ابوهیریه رضی الله عنه "برید" را روایت می کند. از تمام این روایات معلوم می گردد که ابوهیریه به سعید ابن ابی سعید و یا به پدرش "روز و شب" گفته است و "برید" نگفته است.

به این ترتیب نظر راجح همان است که ما در کتاب نظام اجتماعی اسلام، روز و شب را تبنی نمودیم:

«لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي حُرْمَةٍ»

ترجمه: برای هیچ زنی که به الله و روز آخرت ایمان دارد، حلال نیست تا بدون محرم مسیر یک شبانه روز را مسافرت نماید.

3. این موارد را با ملاحظه امور ذیل بیان می کنیم:

1. ما گفتیم نظر راجح این است؛ نگفتیم نظر قطعی است.

2. ما می گوئیم زن بدون محرم می تواند کمتر از یک روز و شب را سفر نماید؛ نگفتیم واجب است. زمانی که زن نخواست حتی نصف روز را بدون محرم سفر نماید، پس این برایش افضل و احسن است. مهم این است که مسیر یک شبانه روز را سفر ننماید؛ مگر این که باید با محرم باشد.

3. حدیث همسفر یا همراه بودن محرم زن هنگام سفر، دلالت بر صیانت زن و در امن بودن آن دارد؛ بناءً برای زن جایز نیست که سفر نماید؛ مگر این که در امن باشد که تنها با محرم خود در امن است و بدون محرم خود نمی تواند سفر نماید؛ و لو اگر یک ساعت از روز باشد، در امن بودن شرط دیگری است که باید رعایت گردد.

4. برای زن جایز نیست که سفر نماید؛ مگر این که شوهر یا ولی آن به وی اجازه دهد؛ و لو اگر به هر مدتی هم باشد و یا محرمی از محارم اش هم با او همسفر باشد، نظر به دلایل شرعی که در این مورد وجود دارد.

سوم) آنچه گذشت، پاسخی بود در رابطه به همراه بودن محرم با زن در جریان سفر؛ اما رسیدن زن به کشوری که سفر می کند و مسافر محسوب می شود، اقامه دایمی نگرفته؛ بلکه به هدف حاجتی از جمله به هدف تجارت یا یک مرحله آموزشی و تحصیلی یا به

قصد زیارت شخص و مکانی و یا هم به هدف علاج و تداوی سفر نموده، آیا لازم است محرم وی تا زمانی که به کشورش برمی‌گردد، با وی باشد یا این که می‌تواند امورات ذکر شده را به تنهایی اش بدون همراهی محرم انجام دهد؟ پاسخ به این پرسش به توفیق الله سبحانه و تعالی قرار ذیل است:

پس از بررسی بیشتر و تفکر در این موضوع، موارد زیر واضح می‌گردد:

1. از احادیثی که قبلاً بیان نمودیم، وجوب بودن محرم همراهی زن در کلمه "مسیره" و کلمه "سفر" مرتب و ثابت می‌گردد؛ اما کلمه "مسیره" پس روشن است که هدف و مقصود از آن جریان سفر است و اما کلمه "سفر" هم‌چنان در اشتقاق لغوی جریان راه را قبل از رسیدن به هدف مقصود بیان می‌کند.

- در لسان العرب (367/2) تألیف محمد بن مکرم جمال الدین بن منظور الانصاری متوفی (711 هـ.) آمده است:

واژه "السفر" (با شَدْ سین و فتح فا) متضاد و عکس واژه "حضر" (با فتح حاء و ضاد) است که از آن مشتق شده است؛ به سبب آنچه از رفت و آمد در معنی و محتوای این کلمه وجود دارد؛ همانگونه که باد برگ‌های افتاده را این طرف و آن طرف می‌برد و بی‌جا می‌کند و جمع سفر اسفار است... واژه‌های "السفر" (با شَدْ سین و سکون فا) و "المسافرون" هم همین معنی را افاده می‌کنند. در حدیث از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که در سال فتح مکه برای اهل آن می‌فرمود: «ای اهل مکه و باشندگان این شهر! چهار رکعت نماز اداء نمایند که ما "سَفَر" کوچ کننده و رونده هستیم.» یعنی مسافر هستیم. برای معلومات بیشتر باید گفت که طبرانی در "معجم الکبیر" این حدیث را به دوگونه تخریج و روایت نموده است:

طریق اول: از عمران ابن حصین رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به جایی سفر نمی‌نمودند؛ مگر این که تا بازگشت‌شان نماز چهار رکعتی را دو رکعت اداء می‌نمودند و پس از فتح مکه مدت دوازده روز در آن اقامت گزیده و دو رکعت نماز اداء می‌نمودند و برای اهل آن می‌فرمودند: «ای اهل مکه! برخیزید و دو رکعت نماز (باقی مانده را) اداء نمایید که ما "سَفَر" یعنی کوچ کننده و رونده هستیم.» یعنی مسافر هستیم.

طریق دوم: از عمران ابن حصین رضی الله عنه روایت است که گفت: با رسول الله صلی الله علیه وسلم در غزوات اشتراک ورزیدم و عادت مبارک‌شان بر این بود که تا برگشت به مدینه، نماز چهار رکعتی را دو رکعت اداء می‌نمودند و با ایشان فریضه حج را اداء نمودم و هم‌چنان دو رکعت نماز اداء می‌نمودند تا این که بازگشت نمودند و در مکه مدت 18 شب اقامت داشتند و در این مدت نماز را دو رکعت اداء نموده و می‌فرمود: «ای اهل مکه نمازتان را پوره نمایید که ما "سَفَر" یعنی کوچ کننده و رونده هستیم.» یعنی مسافر هستیم. (منبع: معجم الکبیر- الطبرانی)

- در قاموس المحيط از فیروز آبادی، متوفی: 817 هـ.ق در جلد 2 صفحه 685، چنین آمده است:

«وَرَجُلٌ سَفَرٌ وَقَوْمٌ سَفَرٌ وَسَافِرَةٌ وَأَسْفَارٌ وَسُفَّارٌ ذَوُو سَفَرٍ، لِضِدِّ الْحَضَرِ» ترجمه: «یعنی صاحبان سفر و مسافرانی که ضد حضر و حالت بودن در مأوی و مسکن است.» و السَّفَرَةُ الْكُتْبَةُ، جَمْعُ سَافِرٍ، وَالْمَلَائِكَةُ يُحْصُونَ الْأَعْمَالَ، وَبِلَا هَاءٍ: قَطْعُ الْمَسَافَةِ؛ یعنی «فرشته‌های نویسنده و شمارنده اعمال و بدون هاء (السفر) به معنی قطع و بریدن مسافت است.»

در قاموس صحاح (تاج العربیه و صحاح العربیه) جلد 2 صفحه 685 از ابونصر اسماعیل جوهری فارابی (متوفی - 393 هـ.ق) آمده است:

«واژه "السفر" یعنی بریدن و طی نمودن مقدار راهی که جمع آن اسفار است.»

در مختار الصحاح صفحه 148 از زین الدین ابو عبدالله محمد ابن ابی بکر الرازی، متوفی - 666 هـ. ق چنین آمده است: «السفر» یعنی بریدن و طی نمودن مقدار راه که جمع آن اسفار است.

2. بناءً وجوب محرم مطابق با این احادیث در جریان سفر "قطع مسافت" است. به عبارت دیگر، در جریان راه و مسیر چنانچه در با لا ذکر نمودیم و سفر به مکان مقصود و هدف که برای رسیدن به آن سفر صورت گرفته اطلاق نمی‌گردد؛ مگر این که نص و دلیل خاص در مورد آن وارد شده باشد؛ چنانچه در مورد قصر نماز و جواز افطار در ماه مبارک رمضان پس از آن که به مکان مقصوده می‌رسد، به شرط آن که اقامت دائمی اتخاذ نکند، نص و دلیل شرعی وارد گردیده است. روی این ملحوظ، در قید ساختن این مدت فقها اختلاف نظر داشته و جواز دادند که پس از آن که به مکان مقصود می‌رسد، نماز را قصر بخواند و روزه ماه مبارک رمضان را افطار نماید. برخی فقها می‌گویند: قصر و افطار پس از رسیدن به مکان مطلوب در مدت چهار روز جواز دارد و برخی‌شان می‌گویند: 15 روز و برخی هم می‌گویند تا زمانی که شخص حاجت خود را به هدفی که سفر نموده به انجام می‌رساند. اما چنانچه گفتیم، این مختص در قصر خواندن نماز و افطار در رمضان است که دلایل خاص در این دو امر وارد شده و در کتب فقه معروف است؛ اما سفر به قطع نمودن راه و بریدن مسیر یعنی جریان راه و سفر اطلاق می‌گردد.

چهارم) رسیدن به هدف و جای مقصود:

1. این مسئله جدا از مسائل دیگر است که احکام متعلق به خود را دارد و این احکام غیر از احکام متعلق به مسیر راه و جریان سفر است. زمانی که راه ختم می‌شود و مسافر به مکان مقصودش رسید، مسئله جدیدی پیش می‌آید که همانا احکام غیر از حکام جریان سفر است؛ برابر است که سفر طویل باشد و به محرم ضرورت باشد و یا این که سفر کوتاه باشد و به محرم نیاز نباشد که در پایین بیان خواهیم کرد. احکام رسیدن به مکان مقصود از احکام سفر در جریان راه فرق می‌کند. زمانی که زن به مکان مقصودش رسید و لازم داشت که یک روز یا دو روز آنجا بماند و شب سپری نماید، در این حالت وی تا زمانی که وقت نیازمندی و ضرورتش ختم می‌شود، به مسکن امن، که در بر گیرنده حیات خاص و عام، لباس شرعی و نشست و برخاست وی را شامل می‌گردد، ضرورت دارد؛ و لو اگر سفرش به طول انجامد و یا هم کم باشد. بناءً موضوع احکام جریان راه از احکام رسیدن به مکان مقصود فرق می‌کند؛ بدون آن که اقامت دائمی و یا طولانی اتخاذ کند؛ بلکه این اقامت موقتاً به هدف حاجتی؛ مانند: علاج یا یک دوره تعلیمی یا برای خرید مواد تجارتي وغيره باشد.

2. به این ترتیب، احکام رسیدن به مکان مقصود از احکام جریان سفر در راه فرق می‌کند. این مسئله یعنی رسیدن به مکان مقصود بدون اخذ اقامت اصلی و دائمی، خواستار وجود امنیت کامل برای زن است؛ یعنی امنیت او در مسکن که زندگی می‌کند و امنیت وی در رفت و آمد که خارج از خانه دارد و این امر مقتضی واقعیت زن و سلامت زندگی آن است. در مقدمه دستور ماده 11 آمده است: «اصل در زن این است که مادر و مربی خانواده باشد؛ با این وجود، او بسان گوهری است که باید حفظ گردد.» چنانچه از شرح ماده واضح است که زن به اجازه ولی یا شوهرش حین خروج ضرورت دارد و هم چنان وی دارای حیات خاص بوده که احکام خاص را با خود دارد که زن را منع کرده از این که با مردان بیگانه زندگی کند؛ بلکه باید با شوهر و یا محارم شرعی اش زندگی کند و در حیات عامه نیز از این که با مردان بیگانه و غیر محارم اش خلوت نموده و یا هم با بیگانگان یکجای و مختلط گردد، منع شده است؛ مگر این که برآمدنش از برای حاجتی باشد که شریعت مقرر نموده است. هم چنان زن دارای لباس شرعی خاص است که عبارت اند از: "جلیباب، سترعورت و منع تبرج" می‌باشد.

3. تمام این‌ها مقتضی امن و امان برای زن بخاطر تحقق واقعیت او از این خاطر است که او بسان گوهری است که با در دسترس قرار گرفتن امنیت و امان حفظ گردد و این موضوع به تحقق مناسبات ضرورت دارد. با تتبع و تحقیق در این مسئله نظر راجح نزد من قرار ذیل است:

الف) اگر مکان و هدفی که برای رسیدن به آن سفر صورت پذیرفته است، پس از سفر یک شبانه روز و یا بیشتر از آن با محرم باشد و زن بخواهد که در آنجا چند روزی به هدف تکمیل کارهایش باقی بماند، آیا بون محرم در این چند روز با او حتمی و الزامی است و یا خیر؟

- در پاسخ به این پرسش، نخست باید بگوییم: اگر زن قادر به تدبیر و انجام امور خویش نباشد؛ مانند این که به هدف علاج مریضی سفر کرده باشد یا خورد باشد؛ برای محرم است که با وی باید تا تکمیل سفر و کارهایش در مکان مقصود باقی بماند تا آن که حاجتی که داشت و بخاطر آن سفر کرده بود، حل گردد؛ اما در صورتی که عاقل و بالغ بود و می‌توانست امورات خویش را تدبیر نماید، پاسخ به این موضوع قرار ذیل است:

- اگر هدف و مکان مقصود داراسلام، یعنی در ساحه و قلمرو دولت خلافت باشد، برابر است در ولایتی که زن زندگی می‌کند یا غیر آن، امنیت و امان به یاری الله سبحانه متحقق بوده و زمانی که به مکان مقصود پس از سفرش رسید، بر محرم‌اش لازم است تا مسکن امن نزد محارم‌اش، اگر در آنجا موجود باشند، تهیه و تدارک نماید و اگر از محارم‌اش کسی در آنجا وجود نداشت؛ اما این زن مجموعه از زنان نیک و مؤمنه را می‌شناخت که محرم به نیک بودن آنان اطمینان پیدا کرده و برای خانمش با یکی دو تن از این زن‌ها مکان امن تهیه نماید، یعنی زن نباید به تنهایی‌اش در یک خانه باشد و اگر در صورتی که از محارم زن کسی در آنجا نبوده و زنان صالحه و مؤمنه که آنان را بشناسد، نیز وجود نداشته باشد، محرم می‌تواند با کمک از ساختارهای دولت خلافت، از طریق رعایت امور مسافری، داخل ولایات دولت به هدف در دسترس قرار دادن مسکن امن کمک گیرد. اگر دولت خلافت به زن مکان امنی را که محرم وی اطمینان پیدا کند، در دسترس قرار داد، زن می‌تواند در مدت خواسته شده برای پایان دادن کارش در آنجا بماند؛ برابر است محرمی که وی را در سفر همراهی کرده است، باقی بماند یا بر گردد؛ درین صورت مادامی که به وی زندگی امن در داراسلام متحقق باشد، مشکلی نیست؛ هم‌چنان در صورت لزوم با آن ارتباط برقرار کرده شود. زمانی که زن خواهان برگشت شد، محرم وی جهت بازگردانیدنش بر گردد؛ در صورتی که سفر آن یک شبانه روز و یا بیشتر از آن دوام می‌کند. اگر در صورتی که زن در دیار مسافرت دارای محارم و دوستان از زنان صالحه و مؤمنه نباشد و نیز محرم وی از فراهم ساختن مکان و مسکن امن از سوی دولت مطمئن نگردد، می‌تواند با خانمش باقی بماند و یا این که هردو برگردند.

- در صورتی که مکان مقصود یکی از سرزمین‌های اسلامی کنونی غیر داراسلام باشد، واقعیت و احکام آن به دویخش تقسیم می‌شود: **اول)** در صورتی که سفر در مربوطات از کشور خودش باشد؛ اما آن کشور و دولت، دولت وسیعی باشد که احادیث ذکر شده پیرامون سفر زن و مدت یک شبانه روز و یا بیشتر از آن بر آن تطبیق شود، در صورتی که به مکان مقصود رسید و محرم به وی مسکن و مکان امن نزد محارم زن اگر در آنجا حضور داشته باشند، فراهم کرد و اگر محارمی از زن در آنجا وجود نداشتند؛ اما زنان نیکوکار و امین که این زن مسافر با آن‌ها شناسایی داشته و محرم‌اش از صالح بودن آن‌ها مطمئن گردد، وجود داشتند، در این صورت محرم به وی مکان و مسکن امن با یکی دو تن از این زنان فراهم نماید؛ به این معنی که نباید به گونه تنهایی در خانه مسکن‌گزین شود تا این که بتواند در آن اقامت‌گزین شده و حاجت و نیازمندی خود را تکمیل نماید و در این مدت محرم‌اش حد اقل هفته یک بار از طریق

تلیفون و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی ارتباط برقرار نماید و در صورت پیش شدن حاجت و ضرورتی برای زن، محرم وی بتواند نزد آن سفر کند و زمانی که خواست برگردد، محرم باید بسوی وی برگردد و با وی سفر نموده و به کشورش برگردد؛ در صورتی که سفر آن یک روز و شب و یا بیشتر از آن باشد.

و اگر در صورتی که زن دارای دوستان زنان صالحه و مؤمنه نبود، محرم می‌تواند تا ختم حاجت زن با وی باشد یا این که با وی برگردد. **دوم** در صورتی که سفر از یک سرزمین اسلامی به سرزمین اسلامی دیگری صورت می‌گیرد و هریکی از مرد و زن با این سفر در دولت‌های جداگانه قرار می‌گیرند، از جانب دیگر، سفر او بین این دو سرزمین یک شب و یک روز و یا بیشتر از آن را در بر می‌گیرد، در این حالت برای زن جایز است زمانی که به منطقه مورد نظر مسافرت می‌نماید، محرم‌اش با آن مسافرت نموده و یا به کشورش برگردد؛ مگر به این شرط:

- محرم برای زن مسکن امن آماده کند که زن در آن به امنیت و امان؛ مانند این که نزد محارم‌اش است یا نزد دوستان از زنان مؤمنه و صالحه‌اش؛ به شرط این که در خانه واحد باشند و محرم یک هفته می‌تواند در آنجا انتظار بکشد؛ پس از آن که مسکن زن را آماده و از حفظ آن و رفت و آمد آن از خانه به هدف تأمین نیازمندی‌هایش در جریان روزهای رسمی و غیررسمی اطمینان یابد، در این صورت نیاز نمی‌بینم که بیشتر از یک هفته جهت حصول اطمینان از مسکن و محل بود باش زن، باقی بماند و با آن از طریق تلیفون و یا توسط شبکه‌های اجتماعی روزانه تماس بگیرد؛ زمانی واضح گردد که وی به حاجتی نیازمند است، به محرم واجب است که بخاطر اطمینان هرچه عاجل فوراً بسوی وی مسافرت نماید و زمانی که خواست برگردد، بر محرم است که باید با آن یکجا برگردد و با آن تا کشورش مسافرت نماید؛ ما دامی که سفرش یک شبانه روز را در برگیرد.

و اگر محرمی از محارم زن در آنجا نبود و هم‌چنان زن دوستان از زنان صالحه و قابل اعتماد در آنجا نداشت؛ پس دو راه وجود دارد: یا این که محرم‌اش تا زمانی که این زن دوستان صالحه و قابل اعتماد پیدا نماید، با او باقی بماند و پس از آن مسکن و محل بود و باش برای آن‌ها فراهم دیده و مدت یک هفته با او همراه باشد و یا هم در صورت پیدا نشدن این‌گونه دوستان قابل اعتماد برای زن، هردو برگردند.

اگر در صورتی که هدف و مکان مورد نظر در سرزمین‌های غیراسلامی باشد، پس باید دیده شود:

- اگر در آنجا زن دارای محارم از مردان باشد که نزد آنان و یا در جوار و نزدیکی آنان بتواند زندگی کند تا جایی که محرم مسافر اطمینان پیدا نماید که در آنجا حیات عام و خاص وی در امن بوده و یا این که وی دارای محارم زنان؛ از جمله: مادر، خواهر، عمه باشد که با آن‌ها مسکن‌گزین شود، در این حالت تنها نزدیک بودن مسکن با این‌ها کفایت نمی‌کند؛ بلکه باید با این‌ها یکجای زندگی نماید. در هردو حالت فوق محرم می‌تواند بعد از مطمئن شدن از امنیت زن دوباره به محل بود و باش خودش برگردد؛ به شرط این که توافق ولی و یا شوهر در این قضیه وجود داشته باشد و هم‌چنان به شرط این که ارتباطات شخصی یا مکاتبات حسب لزوم صورت گیرد؛ سپس زمانی که زن می‌خواهد برگردد، محرم باید نزدی وی برگردد تا آن که وی را در سفر برگشت همراهی کند؛ البته این در حالتی است که سفر او از یک شبانه روز و یا بیشتر از آن دوام کند.

- اما اگر چنین مکان امن برای زن در دسترس قرار نگرفت، برای محرم واجب است تا زمانی که زن به کشور اصلی برمی‌گردد، با وی باشد؛ زیرا آن چه در امن و امان طلب می‌شود که مقتضی حیات زن بوده و حیات زن در آن مراعات می‌گردد، آن عبارت از گوهری

است که باید حفظ گردد؛ این نیازمندی‌ها در سرزمین‌های غیراسلامی متحقق نمی‌شود؛ مگر این که محارم زن باوی باشد؛ چنانچه ذکر نمودیم.

ب) اگر هدف و مکان مقصود نزدیک بوده و پس از سفر کوتاه قابل حصول باشد، یعنی سفری باشد که به محرم وی ضرورت نباشد و زن بخواهد که در آنجا یک روز، یا دو روز و یا سه روز باقی بماند، جواب در چنین حالت چیه باید باشد؟ آیا وی به محرم ضرورت دارد یا خیر؟ پاسخ این سوال قرار ذیل است:

_ * اگر مکان مور نظر داراسلام باشد، برابر است ولایت باشد که زن در آنجا زندگی می‌کند و یا هم ولایت دیگری باشد، وی می‌تواند بدون محرم‌اش سفر نماید؛ زیرا زمان سفر کمتر از یک شبانه روز است و اگر در صورتی که پس از یک روز، دو روز و یا سه روز و یا هم بیشتر از آن خواستار آن شد که در آنجا باقی بماند، برای وی جایز است که نزد محارم‌اش و یا نزد زنان مومنه و صالحه که با آن‌ها تعارف و شناسایی داشته باشد، باقی بماند؛ به این معنی که در یک خانه تنها نباشد و به این شرط که قبلاً در مورد بود و باش با این زنان موافقه ولی و یا شوهرش گرفته شده باشد و شوهرش به آن اطمینان پیدا کرده باشد.

- اما در صورتی که زن در مکانی که به آنجا سفر نموده است، محرمی نداشته باشد و نه هم زنان صالحه و قابل اعتمادی را بشناسد که ولی و یا شوهرش در بودن با آنان موافقت کند، در این صورت برای زن واجب است که پس از اتمام یک روز سفرش برگردد و یا این که محرمی با او همراه شود تا آن که به وی مسکن امن فراهم نماید؛ چنانچه در حالت سفر با محرم ذکر نمودیم.

_ * اگر مکان مورد نظر در سرزمین اسلامی موقعیت داشته باشد که زن در آنجا زندگی می‌کند؛ اما از دید شرعی دارالاسلام نباشد و زمان سفر کمتر از یک شبانه روز باشد، وی می‌تواند که بدون محرم‌اش سفر نماید؛ زیرا زمان سفر کمتر از یک شبانه روز است و اگر در صورتی که پس از یک روز، دو روز و یا سه روز و یا هم بیشتر از آن خواستار آن شد که در آنجا باقی بماند، برای وی جایز است که نزد محارم‌اش و یا نزد زنان مومنه و صالحه که با آن‌ها تعارف و شناسایی داشته باشد، باقی بماند؛ به این معنی که در یک خانه تنها نباشد و به این شرط که قبلاً در مورد بود و باش با این زنان موافقه ولی و یا شوهرش گرفته شده باشد و شوهرش به آن اطمینان پیدا کرده باشد.

- اما در صورتی که زن در مکانی که به آنجا سفر نموده است، محرمی نداشته باشد و نه هم زنان صالحه و قابل اعتمادی را بشناسد که ولی و یا شوهرش در بودن با آنان موافقت کند، در این صورت برای زن واجب است که پس از اتمام یک روز سفرش برگردد و یا این که محرمی با او همراه شود تا آن که به وی مسکن امن فراهم نماید؛ چنانچه در حالت سفر با محرم ذکر نمودیم.

اما اگر مکان مورد نظر در سرزمین اسلامی موقعیت داشته باشد که زن در آنجا زندگی نمی‌کند و از دید شرعی دارالاسلام هم نباشد و زمان سفر کمتر از یک شبانه روز باشد، زن می‌تواند بدون محرم‌اش سفر نماید؛ اما سفر اگر از کشورش به کشوری دیگری باشد که در آن حدود اجراء می‌شود، برای زن واجب است که همراه با خودش همسفری از زنان نیکوکار و قابل اعتماد را برگزیند و تعداد این زن‌ها حداقل باید یک تن باشد؛ به این گونه که هدف این زن هم همان چیزی باشد که زن مسافر آن هدف را دارد و یا به عبارۀ دیگر، این که هدف زن دومی از سفرش همراهی و ملازمت زن اولی باشد و هدف زن اولی و یا مسافر از سفر چیزی باشد که به هدف آن سفر نموده است و اگر خواست که در آنجا یک یا دو روز باقی بماند، باید شروط ذیل را رعایت نماید:

اگر این دو زن در مکانی که سفر نموده اند، محارم و اقارب نزدیکی داشتند، می‌توانند با آن‌ها مدت اقامت خود را سپری نمایند و اگر محارمی نداشتند، اما دوستان از زنان صالحه و قابل اعتماد داشتند، می‌توانند پس از اجازه و توافق اولیاء و یا شوهران‌شان و با

رعایت شروطی که در فوق ذکر شد، با آن‌ها بود و باش اختیار نمایند. اما اگر شروط یاد شده متحقق نگردید، به این معنی که برای این دو زن محارم و زنان پاکدامن و قابل اعتماد که اولیاء و شوهران‌شان، در بود و باش با آن‌ها موافقت می‌نمودند، پیدا نگردید؛ برای زن واجب است که پس از گذشتن یک روزش دوباره به محل اصلی‌اش برگردد.

*_ اگر مکان مقصود و مورد نظر در سرزمین‌های غیراسلامی، یعنی در سرزمین کفار موقعیت داشت، در این حالت واجب است که شوهر یا ولی و یا هم یکی از محارم‌اش با زن سفر نماید و این امر چنانچه در حالت سفر طویل‌المدت تذکر داده شد، نیاز به محرم دارد.

پنجم) و اما دلائلی که جهت تحقق آرامش و حفاظت زن، پس از رسیدن به هدف مطلوب بر آن اعتماد نمودیم، این همان دلائلی است که ما در ابتدای رسیدن به مکان مورد نظر ذکر نمودیم و این امر در هردو حالت یکسان است؛ برابر است که پس از سفر طولانی باشد که به محرم ضرورت است و یا این که پس از سفر کوتاه باشد که به محرم ضرورت نباشد و من یک بار دیگر به آن دلائل برمی‌گردم: «به این ترتیب احکامی که پس از رسیدن به مکان مقصود بر مسافر مرتب می‌شود، از احکام جریان سفر در راه متفاوت می‌باشد. این مسئله یعنی رسیدن به مکان مقصود بدون اخذ اقامت اصلی و دائمی، خواستار وجود امنیت کامل برای زن است، یعنی امنیت او در مسکن که زندگی می‌کند و امنیت وی در رفت و آمد که خارج از خانه دارد و این امر مقتضی واقعیت زن و سلامت زندگی آن است، در مقدمهٔ دستور مادهٔ 11 آمده است: «اصل در زن این است که مادر و مربی خانواده باشد؛ با این وجود او بسان گوهری است که باید حفظ گردد.»

چنانچه از شرح ماده واضح است که زن به اجازهٔ ولی یا شوهرش حین خروج ضرورت دارد و هم‌چنان وی دارای حیات خاص بوده که احکام خاص را با خود دارد و زن را از این منع کرده که با مردان بیگانه زندگی کند؛ بلکه باید با شوهر و یا محارم شرعی‌اش زندگی کند و در حیات عامه نیز از این که با مردان بیگانه و غیرمحارم‌اش، خلوت نموده و یا هم با بیگانگان یکجای و مختلط گردد؛ منع شده است؛ مگر این که برآمدن‌اش از برای حاجتی باشد که شریعت مقرر نموده است؛ هم‌چنان او دارای لباس شرعی خاص است که عبارت اند از: «جلباب، سترعورت و منع تبرج» است.

تمام این‌ها مقتضی امن و امان برای زن بخاطر تحقق واقعیت او از این خاطر است که او بسان گوهری‌ست که با در دسترس قرار گرفتن امنیت و امان حفظ گردد و این موضوع به تحقق مناط ضرورت دارد و آنچه که من ترجیح می‌دهم، دلائلی است که در فوق بیان نمودم؛ البته با تکمیل شدن تمام شروط ذکر شده. الله از همه داناتر و حکیم‌تر است.

ششم) به نسبت حج نظر راجح این است که بودن محرم با زن واجب است؛ منبئ بر دلایل ذیل:

- بخاری در صحیح خود از بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«لَا تُسَافِرِ الْمَرْأَةُ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ، وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا رَجُلٌ إِلَّا وَمَعَهَا مَحْرَمٌ»، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُخْرَجَ فِي جَيْشٍ كَذَا وَكَذَا، وَأَمْرَاتِي تُرِيدُ الْحَجَّ، فَقَالَ: «أَخْرُجْ مَعَهَا»

ترجمه: زن مسافرت نکند؛ مگر این که با محرم خود باشد و هیچ مردی بر او داخل نشود، مگر این که با او محرم باشد. شخصی گفت: یا رسول الله! من می‌خواهم با جیش و لشکر فلانی برای جنگ بروم و زنم می‌خواهد به حج برود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: با زن خود به حج برو! بازگرد و به همراه همسرت حج کن!

- ابن حجر در شرح خود در رابطه به حدیثی که قبلاً بیان گردید، در کتاب فتح الباری گفته است: حدیث باب که از طریق بن جریج از عمرو بن دینار به لفظ «لَا تَحْجَنَّ امْرَأَةٌ إِلَّا وَمَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ» زن حج نکند؛ مگر این که محرمی با او باشد، توسط دار قطنی روایت شده و ابوعوانه آن را صحیح گفته است.

این دو حدیث حج را خاص ذکر نموده و به سفر و به مدت معین از سفر قید نکرده اند؛ پس هرزنی که بسوی حج سفر می نماید، لازم است که محرم باید وی را در سفرش و حج آن همراهی کند؛ صرف نظر از طولانی شدن سفر؛ سپس سفر به حج و نیز انتقال بین مناسک، ضرورت به اموراتی دارد که ساده و آسان نیست؛ بناءً باید که به زن در انتقال و پیشبرد امورات حج کمک کرده شود. فقهای نیز وجود دارند که همراهی زنان قابل اعتماد را در سفر حج جواز می دهند؛ مانند امام شافعی و امام مالک. برخی از فقها این را در همه "سفرهای واجبی" جواز می دهند؛ مانند امام مالک؛ اما نظر راجح آنست که در سفر حج باید همراه با زن محرم اش وجود داشته باشد؛ برابر است که مسافت سفر طویل باشد یا کوتاه. بی گمان الله سبحانه و تعالی دانا و حکیم است.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابوالرشته

27 صفر 1440 هـ.ق

05 نومبر 2018 م